

نزدیکی فرهنگی، تنش های ژئوپولیتیک

گرجستان، دغدغه روسیه

نویسنده: PIERRE DAUM

روزنامه نگار، فرستاده ویژه لوموند دیپلماتیک

از یک سال پیش، دو جناح آشتی ناپذیر متقابلاً یکدیگر را به مهره مسکو بودن متهم نموده و با هم در مجلس گرجستان حضور نمی یابند. مردم امیدوارند که انتخابات محلی ۲ اکتبر، که با نظارت اتحادیه اروپا سازماندهی شده، از شدت بحران بکاهد. این در حالی است که مسئله روسیه بر صحنه سیاسی گرجستان سنگینی می کند و جامعه رابطه دوگانه ای با همسایه شمالی خود دارد.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۱

تازه شهر گوری و موزه بزرگ آن که برای بزرگداشت ژوزف استالین - فرزند گرجستان - بنا شده را ترک کرده ایم که ناگزیر می شویم جلوی یک پاسگاه کوچک، که توسط دو پلیس گرجی نگهداری می شود، توقف کنیم. ناتیا جالابادزه، مردم شناس دانشگاه تفلیس که راهنمای ما است زیر لب می گوید: «هیچ چیز نگوئید! من به آنها می گویم که شما اعضای خانواده من هستید». او کارت شناسایی اش را ارائه می کند و پلیس پس از بررسی آن اجازه عبور می دهد. وقتی اوضاع آرام می شود، او توضیح می دهد که: «سربازان روسی در ۳ کیلومتری اینجا، در آخر این جاده مستقر هستند. آنجا ابتدای منطقه ای است که روس ها از سال ۲۰۰۸ به زور اشغال کرده اند. ما وارد منطقه خطرناکی شدیم که پلیس گرجستان تنها به ساکنان دهکده های مرزی اجازه ورود به آن را می دهد. بخشی از خانواده من در این منطقه زندگی می کنند و من جواز عبور از آن را دارم. به این دلیل بود که پلیس به ما اجازه عبور داد».

این منطقه از نظر بین المللی با نام اوستیای جنوبی شناخته می شود، اما بسیاری از گرجی ها آن را بخشی از منطقه گرجستانی شیدا کارتلی (کارتلی داخلی) می دانند. وجه تسمیه آن نشانگر خودداری از شناخت هرگونه مشروعیت در مورد خواست استقلال ساکنان اوستیای آن است. در واقع، اوستیای جنوبی مرز مشترکی با اوستیای شمالی دارد که منطقه ای عضو فدراسیون روسیه است که ساکنان آن نیز اوستیایی هستند. در سال ۱۹۸۹، در زمان ایجاد نخستین شکاف ها در امپراتوری اتحاد شوروی، و در حالی که گرجی ها برای دستیابی به استقلال تظاهرات می کردند، دو اقلیت قومی قفقاز یعنی اوستیایی ها و آبخازی ها نیز خواستار استقلال شده و خشم استقلال طلبان گرجستان را برانگیختند. در پی این امر دو جنگ در اوستیای جنوبی (۱۹۹۲-۱۹۹۱) و آبخازی (۱۹۹۳-۱۹۹۲) رخ داد که موجب کشته شدن صدها تن و آوارگی گسترده مردم شد. اما تفلیس، که درگیر جنگ داخلی خود (۱۹۹۳-۱۹۹۲) بود، نیروی لازم برای غلبه بر جدایی طلبانی که تا حدی زیاد تحت حمایت مسکو بودند را نداشت. از این هرج و مرج دو پیشا-حکومت

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۱

زاده شد. این حکومت های نوپا، که توسط سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته نشده اند، امروز تنها به لطف کمک اقتصادی و نظامی روسیه سرپا هستند (۱).

«دیگر بعضی از کلمات را در برابر دوستان به زبان نمی آورم»

در ماه اوت ۲۰۰۸، گرجستان کوشید اوستیای جنوبی را بازپس بگیرد. مسکو دهها هنگ نیروی نظامی به آنجا اعزام کرد. طی ۵ روز، ارتش گرجستان شکست خورد و سربازان روس به تقلیس نزدیک شدند. با نظارت اتحادیه اروپا، که آقای نیکولا سرکوزی آن را نمایندگی می کرد، آتش بس برقرار شد. او حق ارتش روسیه برای کنترل خط مرزی گرجستان و اوستیای جنوبی و آبخازی را پذیرفت. این دو جنگ، با آن که تلفات چندانی نداشت، بر پیکر گرجستان زخم وحشتناکی بجا گذاشت و این کشور ازدست دادن این دو منطقه را به سان «اشغالگری روسیه» در «قلمرو تاریخی گرجستان» غیرقابل تحمل تلقی می کند. این سرزمینی است که مساحت آن معادل ایرلند است و کمتر از ۴ میلیون تن در آن سکونت دارند و ۲۰ درصد از خاک گرجستان است.

این جداسازی آنقدر دردناک است که هیچ مذاکره ای امکان پذیر نیست. یک روز پیش، در گوری، آقای داوید چخارتیشویلی مدیر تئاتر، که جوانی کم و بیش طغیانگر و مدافع بزرگ آزادی ها است، زمانی که از او درباره مشروعیت احتمالی ساکنان اوستیا و آبخازی برای استقلال پرسش کردیم با لحنی تند پاسخ داد: «این

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۱

تلفن همراه را می بینید؟ من آن را به شما قرض می دهد، می توانید از آن استفاده کنید. حتی می توانم برای آن به شما اعتبار بدهم، اما مال من است. به من تعلق دارد! شیدا کارتلی و آبخازی هم به گرجستان تعلق دارد! ما می خواهیم نسبت به مردم آبخازی و اوستیای جنوبی خوش رفتار باشیم، اما هرگز زیر بار سلب مالکیت نمی رویم!». در مورد اندیشیدن به نگرانی مشروع روسیه درباره این ایده که سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) بتواند در آینده نزدیک پایگاه هایی نظامی در مرزهای جنوبی این کشور ایجاد کند، که خطری خواهد بود! به نظر بیشتر گرجی ها، این امر هیچ جنبه راهبردی ای ندارد، بلکه چنان که لاشا باکرادزه، تاریخ دان و مدیر موزه ادبیات تفلیس می گوید: «اقدامی گسترش طلبانه از جانب روس ها است که از دوقرن پیش تاکنون برای آن که مانع استقلال ما شوند همه کار کرده اند». او یادآوری می کند که این «اشغالگری روسیه» از سال های «۱۸۰۰»، در زمان حکومت تزاری آغاز شده است. «آخرین باری که من کوشیدم دیدگاه روسیه را برای قدیمی ترین دوستانم، آقای گیورگی خوتسیشویلی، که یک تفلیسی قدیمی دانش آموخته دانشگاه مسکو در دوران لئونید برژنف است توضیح دهم، او سر من فریاد زد و مرا مزدور پوتین نامید. از آن پس، من حتی واژه "روسیه" را جلوی او بر زبان نمی آورم».

ما دور از نگاه پلیس ها به روستای کردی، که درست در خط مرزی واقع شده وارد می شویم. در آنجا دختر عموی ناتیا جالابادزه در انتظار ما است. پیش از رفتن به خانه او، تصمیم می گیریم که تا آخر روستا برویم و به آنچه که گرجی ها آن را «مرز خودخوانده» می نامند نزدیک شویم. در یک جاده خاکی پیش می رویم. راهنمایمان می گوید: «باید خیلی مواظب باشیم. سربازان روسی هر روز روستائانی که ناخواسته از خط مرزی عبور می کنند تا گاوشان را بچرانند یا سیب هایشان را بچینند را بازداشت می کنند. این نگوئبخت ها به زندان تسخینوالی [پایتخت اوستیای جنوبی] در ۱۰ کیلومتری اینجا برده می شوند. غالبا مورد ضرب و شتم قرار می گیرند و برای آزاد شدن باید باج بپردازند».

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۱

این «باج» یا در واقع جریمه ای که رسماً از طرف دولت اوستیا برای عبور غیرقانونی از مرز دریافت می شود، مدت های زیادی حدود ۱۰۰ لاریس گرجی - معادل ۲۷ یورو- بود، در حالی که این روستائیان با درآمدی بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ لاریس در ماه زندگی می کنند. ناتیا جالابادزه که در چهارچوب یک مطالعه به سفارش دانشگاه خود در این مورد تحقیق می کند، با تأکید می گوید: «در اکتبر ۲۰۱۸، ناگهان این مبلغ به ۲۰۰ و سپس ۸۰۰ لاریس افزایش یافت». بنابر گزارش کاملی که توسط سازمان «عفو بین الملل» در سال ۲۰۱۹ منتشر شده، بین سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۸، هر سال بین ۱۰۰ و ۱۴۰ مورد از این «بازداشت ها» در مرز اوستیا و ۲۰۰ تا ۴۰۰ مورد در مرز آبخازی رخ می دهد (۲).

در ۳۰ متری جلوی ما، در میانه دشت، یک مانع فلزی به چشم می خورد. این مانع اخیراً و بدون هماهنگی با مردم محلی یا دولت گرجستان کارگذارده شده است. عفو بین الملل در گزارش خود عوارض ایجاد ۴۰۰ کیلومتر حصار، که از سال ۲۰۱۳ آغاز شده و هنوز پایان نیافته، دو تکه شدن روستاها، عدم امکان دسترسی روستائیان به مزارع، کاهش امکان عرضه محصولات و غیره می داند. ایرما تبیدزه، هنرمند جوان باتومی می گوید: «متوجه هستید؟ مردم حتی نمی توانند سر مزار والدین خود بروند!». خود او هرگز به این محل نرفته اما در فیسبوک موضوع کارهای «ناهنجار روس ها» نسبت به روستائیان را دنبال می کند. همه گرجی ها به اتفاق باور دارند که روس ها از این حصارها برای این که هر بار چند ده متر دیگر به سرزمین تحت اشغال بیفزایند استفاده می کنند. در شهرهای تفلیس، گوری، کوتائسی یا باتومی، همه از این «اشغالگری خرنده» انتقاد می کنند، در حالی که روس ها تأکید می کنند که عملکردشان مطابق با نقشه تعیین مرز اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۴ است. به نظر می آید که تنها نتیجه مثبت نصب این حصارها این باشد که از تعداد عبور های ناخواسته از مرز و در نتیجه «بازداشت ها» کاسته شده است.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۱

به خانه خانم تاتا جالابادزه، دختر عمومی ناتیا می رسم. خانه در وضعیتی رقت بار، با یک ایوان چوبی در حال شکسته شدن است اما باغچه صیفی کاری پرباری دارد که به نظر می آید در آن بدون تلاش گوجه فرنگی، خیار، بادمجان، پیاز، سیب زمینی، جعفری، گشنیز، مرزه، آویشن و غیره به بار می آید. میز از پیش زیر یک درخت گیلاس گذاشته شده و خانم تاتا و مادرش از صبح آن را چیده اند. مادر خانم تاتا می گوید: «من در سال ۱۹۵۲ در تسخینوالی، در یک خانواده گرجی به دنیا آمده ام. در سال ۱۹۹۳ ناگزیر از ترک شهرم شدم، زیرا در غیر این صورت اوستیایی ها مرا می کشتند. ما دوران خیلی سختی را گذراندیم. از این رو من به اینجا آمدم و در این خانه بیلاقی قدیمی خانواده ساکن شدم». خود تاتا در تسخینوالی به دنیا آمده، مدت زیادی در تفلیس کار کرده و بعد برای پیوستن به مادرش به روستای کردی آمده و در این قطعه زمین کم و بیش با هم روزگار می گذرانند. به نظر او «این روس ها هستند که نفرت اوستیایی ها را نسبت به گرجی ها برمی انگیزند؛ بیشتر ما با هماهنگی کامل با هم زندگی می کردیم».

صرف غذا آغاز می شود و تاتا یک بطری پلاستیکی آب معدنی پر از شراب قرمز سر میز می آورد و با تفاخر توضیح می دهد که: «این را خودم درست کرده ام. محصول خانگی است. می تواند خاطر جمع باشید که هیچ ماده شیمیایی در آن نیست». ما از او می پرسیم که پیش از آن که نزد مادرش بیاید کارش در تفلیس چه بوده و پاسخ می دهد: «یک آژانس کوچک گردشگری داشتم که بیشتر مشتریان آن روس ها بودند». ما فکر می کنیم اشتباه شنیده ایم اما او تأکید می کند که: «آری من زبان روسی را خیلی دوست دارم و فرهنگ آن را تحسین می کنم. گردشگران روس بسیار مهربان هستند. آنها هم گرجستان را خیلی دوست دارند!».

پرتاب تخم مرغ، گوجه فرنگی و سنگ به سوی روزنامه نگار معروف مسکو

تا تا، به شیوه خود تجسم تناقض بزرگ گرجستان است. مردمی که از تحت اشغال بودن یک پنجم سرزمین خود رنج می برند، و در عین حال، هر سال بدون آن که از قواعد افسانه ای مهمان نوازی گرجستان تخطی کنند، صدها هزار گردشگر روس را پذیرا می شوند و اتاق های تمیز و مرتب، برخوردی گرم، شراب تا می خواهی بنوش و غذاهای لذیذ در اختیار آنها می گذارند. در سال ۲۰۱۹، درست پیش از بروز همه گیری کووید-۱۹، کشور پذیرای ۵ میلیون گردشگر بود که فقط درآمد از غذای ایشان ۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی (PIB) را تشکیل می داد - با توجه به بازده اقتصادی این گردشگری، طبق نظر «شورای سفر و گردشگری جهانی» (WTTC) این رقم به ۲۶ درصد می رسد. در آن سال، روس ها با حدود ۵.۱ میلیون نفر در رأس این گردشگران بودند، رقمی که از سال ۲۰۱۰ مرتب رو به افزایش است.

به رغم قطع روابط دیپلماتیک از سال ۲۰۰۸، پیوندهای اقتصادی همچنان بسیار قوی است. همسایه بزرگ شمالی، همراه با آذربایجان و ترکیه، ۳ شریک نخست بازرگانی گرجستان هستند و ۱۵ درصد از صادرات مس، منگنز، گوجه فرنگی، گردو، آب معدنی، شراب و دیگر مشروبات الکلی آن را جذب می کنند. در برابر این صادرات، تقلیس مواد سوختی، گندم و انواع ماشین و دستگاه های برقی وارد می کند.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۱

خانم نینو خارازیشویلی، یک آموزگار زبان فرانسه اهل سورامی توضیح می دهد که: «روس ها همیشه دوست داشته اند که به گرجستان بیایند. ما از دید آنها مردمی خوش مشرب و خوش زیست هستیم که جشن گرفتن را دوست داریم». تفلیس برای بهره گیری از این جذابیت مقررات مرزی را به حداقل کاهش داده، از روس ها روادید خواسته نمی شود، درحالی که یک گرجی برای رفتن به روسیه باید تشریفات کنسولی زیادی را تحمل کند. در مورد زبان روسی، که در زمان اتحاد شوروی اجباری بود، هنوز عده زیادی به آن صحبت می کنند.

از حدود ۱۰ سال پیش، شهرک ساحلی باتومی در کنار دریای سیاه تبدیل به نوعی لاس وگاس با هتل های خیلی بزرگ و قمارخانه های پر زرق و برق شده است. پیروز بولکوادزه، روزنامه نگار اقتصادی تلویزیون محلی می گوید: «ما همواره با روس ها زندگی کرده ایم. در دوران اتحاد شوروی، مسکو یک پایگاه نظامی خیلی بزرگ در جنوب شهر مستقر کرده بود تا مرز اتحاد شوروی با ترکیه در ۱۵ کیلومتری اینجا را تحت نظر داشته باشد. این پایگاه در سال ۲۰۰۶ بسته شد. اکنون برخی از کسانی که در این پایگاه کار می کردند برای گذراندن تعطیلات به اینجا می آیند». آیا حضور این سربازان خاطرات بدی بجا گذاشته است؟ او چنان که گویی با پرسش نابجایی روبرو شده پاسخ می دهد: «نه، ابد! به عکس، سربازان در شهر زندگی می کنند، همه روسی حرف می زنند و ما خود را به آنها بسیار نزدیک حس می کنیم. ما آنها را نه به چشم اشغالگر، بلکه به صورت همزمانی می بینیم که با پدران ما در طول جنگ جهانی دوم خون خود را بزمین ریختند».

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۱

این رفتار متناقض، که آمیخته ای از عشق و نفرت است، شکل های مختلفی به خود می گیرد. زمانی که تسیستی خاچاپوریدزه جوان، در کوتایسی که دومین شهر کشور است در بهترین مدرسه درس می خواند، در تیک تاک ویدیویی را دید که یک روس را در حال شنا کردن در سوخومی، پایتخت «اشغال شده» آبخازی نشان می داد، میل داشت آن روس را «در آب غرق کند»! او ناگهان از جا در می رود و می گوید: «من از روس ها متنفرم، از زبانشان متنفرم، از کشورشان هم متنفرم!». ۱۰ دقیقه بعد، این دختر جوان به تعریف و تمجید از خواننده محبوب خود، کتی توپوریا می پردازد که یک خواننده گرجی است که در مسکو زندگی می کند، با یک روس ازدواج کرده و فقط به زبان روسی می خواند: «او به روس ها نشان داده که ما نیز می توانیم خواننده های خوب، حتی بهتر از آنها داشته باشیم!».

با آن که گرجستان هیچ مخالفتی با پذیرایی صمیمانه از گردشگران ندارد، برخی بر این باورند که چنان که زویاد ایزیانی، مدیر جشنواره سینمایی باتومی می گوید: «روس ها می توانند خیلی آزارنده باشند، زیرا به ما به صورت زبردست نگاه می کنند. آنها به صورت کسی به گرجستان می آیند که گویی به یک استان کوچک و زیبای جنوب کشور خود نزد وحشی ها سفر کرده و باید فرهنگ خود را برای آنها ببرد. آنها مستقیماً با شما به زبان روسی حرف می زنند، بدون آن که از این که زبان گرجی نمی دانند پوزش بخواهند و چنان رفتار می کنند که گویی در یک کشور تصرف شده هستند».

در آوریل گذشته، این آزارندگی در تفلیس شکلی خشونت بار یافت. سفر یک روزنامه نگار مسکویی به نام ولادیمیر پوزنر، که برای برگزاری جشن تولد ۸۷ سالگی خود با هواپیمای جت خصوصی به تفلیس سفر و همراه با حدود ۱۰۰ تن مهمان - به رغم ممنوعیت های شدید بهداشتی - در یک قصر اقامت کرده بود،

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۱

موجب بروز خشونت شد. خبر رویداد از طریق شبکه های اجتماعی منتشر شد و دو ساعت بعد، هزاران تظاهر کننده خشمگین به سوی او تخم مرغ، گوجه فرنگی و سنگ پرتاب می کردند. آنچه به خشم مردم دامن می زد این بود که او چند سال پیش، از گرجستان و مطالبات آن درمورد اوستیای جنوبی انتقاد کرده بود.

«نفرت اوستیایی ها نسبت به ما خیلی شدید است»

در ژوئن ۲۰۱۹ هم حادثه ای مشابه در مجلس گرجستان رخ داده بود. تالار مجلس برای برگزاری یک همایش در اختیار نمایندگان کشورهای مختلف ارتدکس گذاشته شده بود. همایش آقای سرگئی گاویرلوف را به عنوان رییس انتخاب کرد و هنگامی که از این عضو دوما (مجلس نمایندگان روسیه) خواسته شد که سخن بگوید، او روی صندلی ای که در حالت عادی خاص رییس مجلس گرجستان بود نشست. با انتشار تصویر نشستن یک روس بر کرسی ریاست مجلس گرجستان، زخم استعماری سرباز کرد. اپوزیسیون از موقعیت استفاده کرد و آن را «تبانی» بین حزب حاکم و روسیه خواند و خواستار استعفای فوری دولت شد. این امر موجی از تظاهرات به شدت خشونت بار همراه با فریادهای «روسیه بس کن» به راه انداخت. چند روز بعد، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه فرمان داد که پروازهای مستقیم بین مسکو و تفلیس ممنوع شود و به هم میهنان خود توضیح داد که گرجستان یک «کشور امن» نیست. فصل گردشگری تابستان ۲۰۱۹ تازه آغاز شده بود اما این دستور اثر زیادی بر گردشگران روسی نگذاشت چون بسیاری از آنها در مسیر سفر خود به ورشو یا استانبول توفقی در مینسک می کنند. خانم مارینا گوکادزه، ۳۱ ساله که همراه با

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: اکتبر ۲۰۲۱

شوهر خود یک هتل کوچک در کوتایسی دارد می گوید: «من برای پرتاب سنگ به گاوریلوف یا پوزنر نرفتم و به هیچ وجه اپوزیسیون را تأیید نمی کنم، اما با تظاهر کنندگان موافقم. من تحمل این رفتار استعمارگرانه را ندارم».

صرف شام در خانه تاتا و مادرش به پایان رسید. جسارت کرده و پرسشی شاید دردناک را مطرح کردیم: آیا تصویری از این دارند که روزی برای زندگی به خانه خود در اوستیا برگردند؟ مادر با لحنی مطمئن پاسخ داد: «نه، هرگز، اکنون نفرت اوستیایی ها نسبت به ما بسیار شدید است. روس ها هرگز کشورمان را به ما پس نخواهند داد». این احتمال در صورتی که گرجستان عضو ناتو شود باز هم کمتر می شود، این طور نیست؟ «آری، درست است، اما عضویت در ناتو برای این که پوتین بقیه کشور ما را تسخیر نکند امری حیاتی است».

۱-مانند پریدنستر در مولداوی ، این دولتهای مستقل عملاً به فدراسیون روسیه ضمیمه نشدند ، برعکس کریمه اوکراین در سال ۲۰۱۴.

-۲

« [Georgia : behind barbed wire : Human rights toll of “borderization” in Georgia](#) », Amnesty International, Londres, 2019.